

بہ نام خدا

پروہنگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

واثر سازی و اندرز نامہ های پهلومی

پایان نامہ تحکیمی کارشناسی ارشد

فرہنگ زبانہای باستانی

استاد راهنما دکتر محمد تقی میرزا محصل

استاد مشاور دکتر محمد میر فتحی

دانشجو سید محسن قائم مقام

فهرست مطالب

- سیاست‌گذاری،

۱- بخش اول: دیباچه:

۱-۵ - زبان‌شناسی تاریخی،

۵-۱۱ - نگاهی بر پیشینه زبان‌های ایرانی،

۱۱-۲۱ - اندرزنامه‌های پهلوی،

۲۱-۲۷ - واژه‌سازی در زبان ایرانی میانه غربی،

۲۷-۳۳ - روش کار

۲- بخش دوم:

۳۳-۴۵ - واژه‌های مشتق حاصل از پیشوند،

۳- بخش سوم:

۴۵-۱۰۶ - واژه‌های مشتق حاصل از پسوند،

۴- بخش چهارم:

۱۰۷-۱۱۶

- واژه‌های مرکب،

۵- بخش پنجم:

۱۱۶

- عبارت،

۶- بخش ششم:

۱۱۷-۱۲۳

- بررسی آماری،

۷- بخش هفتم:

۱۲۳-۱۲۶

- نتیجه‌گیری،

بچس اول

دیاپ

سیاسگزاری

سیاس بیکران خود را در آغاز به پیشگاه ذات مقدس پروردگار

بزرگ که در تمام مراحل زندگی مدیون عنایت وی بوده، هست و خواهد بود.

ارائه می دارد و امید است، آنچنانکه شایسته لطف بیکران اوست، سیاس

این حقیر سرایا تقصیر را بپذیرا باشد.

پس از سیاس خداوند بزرگ، شایسته و بایسته می دانم که از استادان

محترم و گرانمایه خود «آقای دکتر اشد منصل» و «خانم دکتر میر فخرانی»

که قبول زحمت فرمودند و با راهنمایی های ارزشمند و سودمند خود

اینجانب را در به اتمام رساندن این پایانی نامه یاری فرمودند،

از صمیم قلب و با تمام وجود قدردانی نمایم.

همچنین از استادان محترم، خانم دکتر مزداپور، خانم دکتر دریندی، خانم

دکتر زرشناس، به دلیل زحمات ارزشمند و بی دریغ شان قدردانی می نمایم.

همچنین از کادر محترم آموزش و کتابخانه دانشکده تشکر و قدردانی می نمایم.

دیباچه

(۱)

بی گمان یکی از مهم ترین شاخه های علم زبان شناسی و «زبان شناسی تاریخی»

است. زیرا این شاخه از زبان شناسی بزرگترین خدمت را به تاریخ و فرهنگ

باستانی بشر نموده است. برای اثبات این ادعا کافی است که نگاهی

اجمالی به کتابهای تاریخی یک قرن پیش از آنکه نوشته شده بی شک با انبوهی

از افسانه ها و افسانوی و اسامی بجز آنچه که در گذشته رو برو می شویم که بررسی و

مطالعه آنها حاصلی جز سردرگمی نخواهد داشت.

تأثیر از استردگی علم زبان شناسی تاریخی، تاریخ و زبانهای باستانی

ایران بسیار پیچیده و نامفهوم بود و مهم ترین منابع مطالعاتی آن از طرف

شاهنامه، فردوسی و کتابها و روایات مورخان اسلامی و از طرف دیگر کتابهای

تاریخی مورخان یونانی و رومی بوده که البته این منابع دارای ابهامها و

اشکالات خاص خود هستند.

اطلاعاتی که از طریق مطالعه کتابهای مورخان اسلامی بدست می آوریم

هر چند در نوع خود دارای ارزش می باشند، اما غالباً با افسانه توأم اند و جدا کردن

تاریخ از افسانه کاری بس دشوار است.

کتابهای مورخان یونانی - رومی هم اگرچه بدلیل آنکه برخی از نگارندگان

آنها تردید پادشاهان ایران بوده اند، از دقت نسبی برخوردارند، اما آگاهیهای

آنها در بردارنده حقایق تاریخی روشن نیست و حتی غرض و زبانهای قومی نیز

در این کتابها دیده می شود. برای مثال: هرودت^(۱) که در علم

تاریخ نامیده شده است، بسیاری از رویدادهای تاریخی را که در کتاب

خود آورده است، بر اساس مشاهدات و تحقیقات خود می

نموده، بلکه بر اساس دانشیدن از دیگران، آنها را نگاشته است و نگاه از

حقایق تاریخی بسیار دور است و امروزه اشتباهات او ثابت شده است.

بنابراین، مهم ترین و اساسی ترین منبع علمی، «طبرانی پسر رهنش

در تاریخ و فرهنگ باستان، یاری جستن از دستاوردهای زبان شناس تاریخی

است زیرا که در یک قرن اخیر تاریخ و فرهنگ باستان با استعداد از

زبان شناسی تاریخی گسترش فراوان یافته و بسیاری از نوایای تاریخی

تاریخ باستان روشن گردیده و پژوهشگران تاریخ را از سردرگمی نجات

داده است.

امروز با استمداد از زبان‌شناسی تاریخی، از عظمت و شکوه

فرهنگ و تمدن‌های باستان آنگاه گردیده ایم. یعنی آن‌ها می‌یافتن از

آن «حقایق»، بزرگی که تا پیش از رمزگشایی خطوط زبان‌های باستان،

ناممکن می‌نمود و بیشتر به «افسانه» ماست بود تا «حقایق تاریخی» پس

دروغ با بیم که زبان‌شناسی تاریخی بار رمزگشایی و بررسی زبان‌های باستان،

کام بسیار شایانی به فرهنگ و تمدن بشری می‌نهد. بعنوان مثال، پس

از رمزگشایی خط فارسی باستان، یکی در برترت نیز اسناد تاریخی جهان کشف

شد و تاریخ ایران باستان از زوایای تاریک خود خارج گردید.

زبان‌شناسی تاریخی علاوه بر کام شایانی که به تاریخ و فرهنگ بشری

می‌کند، در زمینه ادبیات باستانی، در تغییرات و قوانین حاکم بر این

تغییرات، که در طی تاریخ در زبان‌های باستانی رخ داده است، کشف و به

بررسی آنها می پردازد و ما را نسبت به «بن مایه های ادبیات کنونی» آگاه

می کند.

با توجه به اهمیت ^{بسیار} ادبیات باستانی داراست و با توجه به غنای

ادبیات باستانی ^{لحن} کشورمان لازم است که نگاهی اجمالی به ادبیات

باستانی ایران افکنده شود.

نگاهی به پیشینه زبانهای ایرانی >

زبانهای ایرانی شاخه‌ای از گروه زبان هندوایران است که خود نیز از

زبانهای خانواده «هندواروپایی» می‌باشند. گروه زبانهای هندوایرانی به دو شاخه

«هندی» و «ایرانی» تقسیم می‌شوند. از نظر زبانشناسی تاریخی می‌توان

سه دوره تاریخی برای زبانهای ایرانی قائل شد:

۱- دوره باستان ۲- دوره میانه ۳- دوره جدید

۱- دوره باستان:

از دورانی که نخستین آثار زبانهای ایرانی وجود دارد، یعنی زبان

«گامان زردشت» (احتمالاً حدود ۱۲-۱۰ ق م) آغاز می‌گردد و در

اواخر دوره هخامنشی (حدود ۳۳۰ ق م) پایان می‌پذیرد. از این دوره از دو

زبان آثار مکتوب قابل ملاحظه‌ای در دست است.

الف- زبان اوستایی: از نظر ویژگیهای زبانی، زبان اوستایی

متعلق به شرق و شمال شرق ایران باستان است و کتاب اوستا به

این زبان نوشته شده است. میان زمان تالیف قدیمی‌ترین بخش

اوستا یعنی کاهان تا زمان تدوین و به نگارش در آمدن مجموعه اوستا

قرن‌ها فاصله است و در این مدت این کتاب سینده به سینده حفظ

می‌شده است.

زبان اوستائی از نظر قواعد دستوری به دو گویش تقسیم می‌گردد.

«گویش کاهانی یا قدیم» که بخش کاهان اوستا که سخن خود زبردشت است.

یعنی نوشته شده است. گویش دوم را «گویش جدید» گویند که مربوط

به بخش‌های دیگر اوستا است.

خط اوستائی را «دین دیر» گویند. این الفبا احتمالاً در پایانی

دوره ساسانی برای نوشتن اوستا از خط پهلوی کتاب و زبور اخذ شده

است. این خط برای مرئی از آواهای زبان اوستائی نشاندهی خاص

در دو راست به چپ نگاشته می‌شود.

باید زبان فارسی باستان از لحاظ ویژگی‌های زبان و زبان فارسی

باستان و مربوط به جنوب غربی ایران باستان بوده است و کتیبه‌های

پادشاهان ساسانی (قرن ۴-۶ ق م) بدان نوشته شده است. البته

کتابت آثار فارسی باستان، همزمان با تالیف آنهاست.

خط فارسی باستان در خط میخی نامیده می شود و این خط به

دستور داریوش اول (۴۸۶-۴۵۱ ق م) بکار برده شده است. این خط

دارای ۳۶ حرف و ۲ واژه جداگین و ۸ اندیشه نگار و نشانه های برای

نوشتن اعداد می باشد. این خط از نوع الفبای بدجائی است و این

چپ به راست نگاشته می شود. این خط فقط برای نگارش مبرومی

صفره ها، ساختمانها، ستون ها، لوحه ها، ظروف و مهرها استفاده

(۱)

می شده است.

شاید آنراست که در دوره ایران باستان از دو زبان دیگر یعنی

زبان مادری و زبان سکائی نیز استفاده می شده است که آنها

واژه های از آنها باقی مانده است.

ابوالقاسمی، محسن، تاریخ زبان فارسی، سمت، تهران، ۱۳۷۳

بیشتر شامل کتیبه های پادشاهان نخستین ماسان را احتمالاً دو کتاب

«درخت آسورکلیب» و «دایا دگار زوریران» می باشد.

سبب غربی جنبه ای: این شاخه از ادبیات فارسی میانه در قلمرو امپراطوری

مسلمانان بوده، بیشتر سززمینهای جنوبی و مرکزی ایران خصوصاً

سززمین فارس را شامل می شده است و به آن «پهلوی مسلمانان» و یا

«پارسیک» گویند. دانشندان این زبان را در مقایسه با فارسی باستان

در زبان فارسی میانه، و یا «پهلوی» گویند.

آثار فارسی میانه بسیار گسترده است و بطور کلی به دو دسته اعلی تقسیم

می گردد. ۱- پهلوی کتیبه ای ۲- پهلوی کتابی.

خط در دوره میانه ادبیات ایران: خطوط ادبیات میانه غربی ایران

کتیبه ای در خط پهلوی، گویند، از خط آرامی گرفته شده است، برای پهلوی

کتیبه ای نیز خطی خاص وجود داشته است، کتیبه های اشکانی نیز خطی

مختلف با کتیبه های ماسان داشته است. در این دوره برای نگارش

- آثارمانندی خطی برگرفته از خط تدمری وجود داشته است. تمامی این

- خطوط از راست به چپ نوشته می شوند. خط پهلوی بدلیل اتصال -

حروف به یکدیگر از لحاظ خواندن و نگارش دارای مشکلاتی می باشد. (۱)

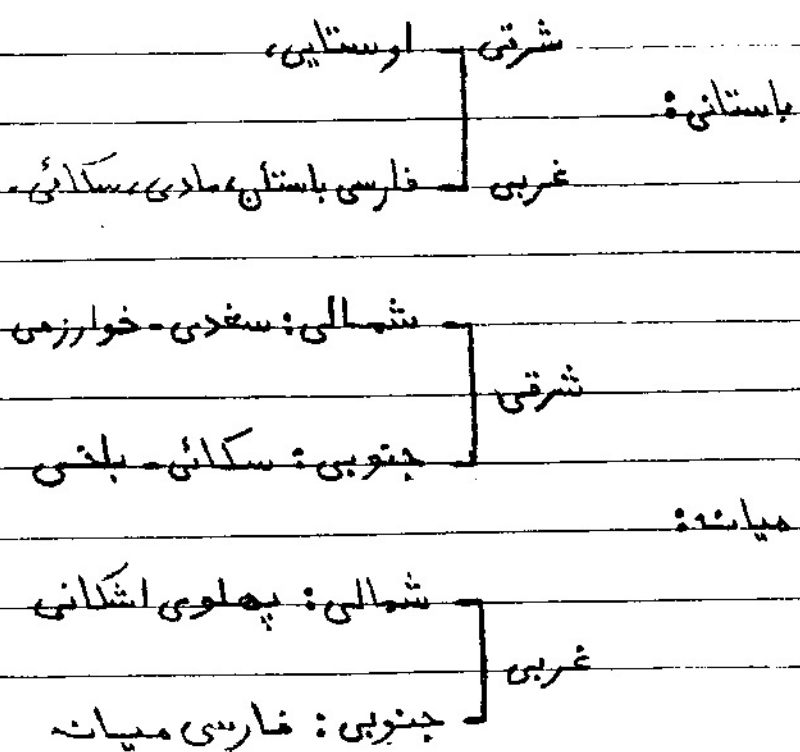
نتیجه دوره جدید:

دوره جدید ادبیات ایران، از اوایل دوره اسلامی آغاز گردیده

و تا کنون نیز ادامه دارد و مهمترین زبان رایج در این دوره که بعنوان

«زبان رسمی» شناخته شده است، زبان «فارسی دری» است که در

قرن هفتم میلادی به عنوان زبان رسمی ایران برگزیده شد.



زبانهای ایرانی

(۱) همان مرجع پیشین

۲- دوره میانه:

دوره میانه تاریخ زبان فارسی، از اواخر دوره هخامنشیان (حدود ۳۳۰ ق.م)

آغاز می‌گردد و این دوره مصادف با امپراطوری‌های ایرانی اشکانی و ساسانی

می‌باشد اما ادبیات فارسی میانه تا اوایل دوران اسلام یعنی قرون چهارم

هم ادامه می‌یابد. زبانهای ایرانی دوره میانه را بنا بر موازین زبان - جغرافیائی

به دو گروه تقسیم می‌کنند: ۱- شرقی ۲- غربی.

۱- زبانهای ایرانی میانه شرقی: که شامل دوشاخه شمالی و جنوبی است:

الف- شرقی شمالی: شامل زبانهای سفیدی و غوارزسی است.

ب- شرقی جنوبی: شامل زبانهای سکائی (ختی) و بلخی است.

۲- زبانهای ایرانی میانه غربی: که شامل دوشاخه شمالی و جنوبی است.

الف- غربی شمالی: که در قلمرو امپراطوری اشکانیان یعنی نواحی شمال

و شمال شرقی ایران دوران میانه یعنی خراسان رواج داشته است و به آن

«پهلوی اشکانی» و یا «پهلوانیگ» گویند آثار باقیمانده از آن

د اندرزنامه‌های پهلوی <

ادبیات پهلوی مجموعه‌ای غنی و پرباری است که مطالعه آن بسیاری

از زوایای تاریک زبان فارسی را روشن می‌کند. متون گوناگونی چون:

متون دینی، فلسفی، کلامی، ادبی، تاریخی، جغرافیایی، حماسی، نجومی،

طبی، علمی، کتیبه‌ها و... باعث شده است که این دوره ادبی کشورمان

از گستردگی و اهمیت خاصی برخوردار باشد.

با وجود جذابیت خاصی که ادبیات پهلوی دارد، می‌توان گفت که

اندرزنامه‌ها، پهلوی از دلگش‌ترین و شیواترین و آموزنده‌ترین متون

پهلوی است. در اندرزنامه‌ها، با سودمندترین پندها و اندرزها آشنا

می‌شویم. پندهائی از قبیل: پایبندی به اصول مذهبی، ارزشمندی دانش،

عمل به علم، احترام به خویشاوندان و بزرگان، میهمان‌نوازی، رعایت و

پایبندی به اصول اخلاق و اجتماعی، دوری از مال‌اندوزی و ارزشمندی معنویات

تربیت و احترام فرزندان، وقت‌شناسی و تقسیم وقت و...

در حقیقت اندرزنامه ها مجموعه ای ارزشمند از دستورالعمل های

هستند که پیشینیان برای آیندگان بجای گذاشته اند و عمل نمودن به آنها

مایه خوشبختی و کامیابی انسان و نادریده انگاشتن آنها باعث

پشیمانی و ناکامی است.

از جهت دیگر بیشتر اندرزنامه ها به استثنای چند مورد، برای

آنگاه برای همگان قابل فهم و درک باشند، به زبانی ساده و با جملاتی

مشهور و روان نگاشته شده اند و این خود نکته ای بسیار حائز اهمیت

است. زیرا که اگر اندرز تلخ باشد - تلخی اندرز را، روانی نشر و سادگی

آن از بین می برد و خواننده را به خواندن و فهم آن راغب می کند.

بیشتر این اندرزنامه ها از زبان یک پادشاه، وزیر، دانشمند و یا

یک پیشوای بزرگ دینی و یا یک موجود مینوی نقل شده است.

اگرچه بسیاری از این اندرزنامه ها به نشر و بلندی مواردی نیز

دیوم شده که به نظم می باشند.

بنابر دلایل گفته شده و نظر به اهمیتی که بررسی‌های دستوری

«فارسی میانه» دارا می‌باشد، نگارنده بر آن شد که چند متن

از این اندرزنامه‌ها را بعنوان متن‌های انتخابی پایان نامه تحصیلی خود

برگزیند و با توجه به راهنمایی‌های سودمند استادان گرامی راهنما

و مشاور خود، «شیوه واژه‌سازی در اندرزنامه‌های پهلوی»، را بررسی -

گندم این اندرزنامه‌ها عبارتند از:

۱- کز پدۀ اندرز پوریو تکیشان.

۲- اندرز دانایان به مترد پستان.

۳- اندرز خسرو قبادان.

۴- اندرز بهزاد فرخ پیروز.

۵- یادگار بزرگمهر.

اکنون به معرفی این اندرزنامه‌ها و پژوهش‌های انجام شده

بر این این متون، بر حسب تالیف انتشار آنها می‌پردازد.

از گزیده اندرز پور یوتکیستان

čīdag handar/zī Pōryōtkēšān

این اندرزنامه حدود ۹۹ بند را داراست و در بردارنده اصول اعتقادات

دینی بر پایه گفته های نخستین لر و نوکان به دین مزدیسنی می باشد. برخلاف

بیشتر اندرزنامه های پهلوی که دارای نثری ساده می باشند، این اندرزنامه

شاید به سبب قدمت زبانی و اصول اعتقادی که در آن بیان شده، دارای

نثری سنگین است.

پژوهش های انجام شده بر این اندرزنامه عبارتند از:

1. TARAPoRE, Jamshed.c

Pahlavi Andar/z-Nāmak: containing čītak Andar/zī

Pōryōtkēšān and 5 other's Andar/z Texts: transliteration

and translation into Pahlavi texts with an introduction

bombay, 1933, pp. xxi, 94.

۱۵

2. KANGA. M. F

Čītak handarzi Pōrvōtkēšān: Ixans into English with
an introduction and notes. Reprinted from Iran League Quarterly.
Vol. XII. No 4. PP 81-6 and XIV. PP 37-45 Bombay 1944

۳- نوابی، عیسی، معیار: گزیده اندرز پور یوتکیشان، مجله دانشکده

ادبیات تبریز، سال ۱۲، ۱۳۳۶، ص ۵۶۵-۵۱۳

A. KANGA. M. F

Čītak handarzi Pōrvōtkēšān: a Pahlavi text. edited,
Transcribed and Translated into English. with introduction
and a critical glossary. Bombay 1952. PP. XIII. 118.

۵- بهار، محمد تقی.

گزیده اندرز پور یوتکیشان: ترجمه چند متن پهلوی، تهران، ۱۳۴۷، ص ۷-۱۰

۱- مریان، سعید.

چیده اندرز پور یوتکیشان: چستان، سال ۴، شماره ۲، مهر ۱۳۶۵، ص ۱۱۲-۱۱۹

۲- اندرز دانیان به مزدیسنان

handarzi dānāgān ō māz dēs nān

این اندرزنامه متنی است شامل ۲۰ بند که در بردارنده وظایف دینی